



نگاه داری معه می چا عزا در جا اسلا

خمینی، بزرگ مردی است که در عصر ننگ آلود شاهنشاهی «بیرق سرخ عاشورا» را برافراشت و با قدرت معنوی سترگ، نسل عاشورااییان را با زلال اشک و صداقت، چون سیل خروشان روانه میدان‌ها کرد... و همه دیدند چگونه اشک‌ها شعر قیام را با چشم‌ها زمزمه کردند. از سر شعور جوشیدند و با شور بر گونه‌ها جاری شدند و سرانجام دست‌ها برانگیخته و علیه ستم‌گره خوردند و شاه جور را به سان یزید از تخت به زیر کشیدند.

آری! تنها آن روز بود که کارآمدی عزاداری، روضه خوانی و مرثیه سرایی جهت ایجاد تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی، در عرصه عمل آزموده شد. در این فرصت تلاش داریم با استفاده از سخنان حضرت امام علیه السلام از زاویه‌ای اجتماعی و سیاسی به عزاداری و سوگواری سید الشهداء علیه السلام بنگریم و نقش آن را در اصلاحات همه جانبه جامعه اسلامی بررسی کنیم.

○ نگرش جامع

معنوی آن می‌پردازد؛ وظیفه عزاداران و متولیان را معین می‌کند؛ ابعاد گریه مطابق با هر عصر و زمان را توضیح می‌دهد؛ به آسیب‌شناسی عزاداری از سه بعد توطئه

امام به موضوع عزاداری نگاهی همه جانبه دارد؛ کارکرد معنوی و سیاسی آن را مدنظر دارد؛ به جذابیت‌های اجتماعی،

معنوی تعریف می‌شود و آثاری که به نوعی به نظام اجتماعی در همه ابعاد آن مربوط می‌شود در محدوده کارکرد دوم قرار می‌گیرند: البته از آن روی که جنبه اول همواره مورد تأکید و آشنای شیعیان بود، امام به طور گذرا به آن‌ها اشاره می‌کند و به دلیل مقتضیات ویژه آن روز عموماً بر جنبه دوم تأکید می‌ورزد.

«این اجتماع عاشورا و این برگزاری عزای شهید عالم، این، آنقدر برکات دارد. همان وقتی هم که این مسائل سیاسی در

گران و توطئه‌ها و دوستان نا آگاه اشاره می‌کند و سرانجام تلاش دارد با تسری دادن نهضت عاشورا به مردم، آنان را در معرض یک نظیر سازی تاریخی قرار دهد. این هدف نیز برآورده شده، انقلاب اسلامی پای می‌گیرد. در این بخش از مقاله ما به نکاتی چند پیرامون بعضی از عناوین یاد شده اشاره می‌کنیم.

۱- کارکرد عزاداری

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام دو کارکرد اساسی برای عزاداری می‌توان تعریف



آن مطرح نمی‌شد، آنقدر برکات داشت برای ملت‌ها که قابل احصا نبود.»^۱

سبب شبها

یکی از دلایل عمده رویکرد امام خمینی علیه السلام به تبیین جنبه‌های غیر معنوی

کرد: بخش اول مربوط به آثار معنوی و اخروی و بخش دوم پیرامون تأثیرات عمیق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... است. از این منظر کلیه تأثیرات شخصی و اخلاقی نیز در محدوده کارکرد

عزاداری‌ها، هجوم شبهات پیرامون عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام بود. چه به گمان برخی ساده‌اندیشان گریه و عزاداری بر شهیدی که قرن‌ها پیش به شهادت رسیده است، فایده‌ای برای جامعه ندارد. امام خود به برخی از این هجمه‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «در آن وقت یکی از حرف‌ها که هی رایج بود، می‌گفتند ملت گریه»^۲

«شاید غریزه‌ها به ما می‌گویند که ملت گریه‌ها و شاید خودی‌ها نمی‌توانند تحمل کنند که یک قطره اشک مقابل چقدر ثواب است.»^۳ «این مطلبی را که الان القا کرده‌اند به جوان‌های ما که تاکی گریه و تاکی روضه و این‌ها، ... این‌ها نسبی فهمند روضه چیست ...»^۴ و «این‌هایی که تزریق می‌کنند به شما ملت گریه، ملت گریه، این‌ها خیانت می‌کنند.»^۵ حجم گسترده تبلیغاتی پیرامون بی‌تأثیر بودن عزاداری و زدن بر چسب‌های مختلفی مانند ملت گریه و ... که متأسفانه امروز، نیز با برچسب‌هایی نظیر عامل سلب شادابی اجتماعی و غیره مطرح است - امام را بر آن می‌دارد به طور علمی و عملی برای زدودن آثار شبهات تلاش کند.

برای این کار از سه جبهه مختلف

شروع به فعالیت می‌کند

۱- افشای ماهیت مخالفان عزاداری

و شبه افکن‌ها

۲- تبیین ماهیت عزاداری و فلسفه‌ها

و تأثیرات مختلف آن.

۳- آسیب‌شناسی عزاداری و تبیین

وظایف عوامل مختلف عزاداری.

* ۱- مخالفان عزاداری

الف: کشف انگیزه دشمنی

امام می‌کوشید در اولین گام دلیل حساسیت مخالفان را برای مردم تبیین کند و علت چنین رویکردی را از سوی آنان به تصویر بکشد. از این رو با ظرافتی ویژه می‌فرمود: «آن افکار پوسیده الآن هم در مغزهای بعضی‌ها هست. این‌ها نمی‌خواهند که شما برای یک شهید اسلام گریه کنید. این‌ها نمی‌خواهند شما زنده نگه دارید یک واقعه‌ای را که قدرت‌های بزرگ را ... کوبید ... مع الاسف تبلیغ می‌کنند این منحرفین ... باید توجه بکنید به این که هر یک از این شعائر اسلامی چه چیزی دارد که این‌ها با آن مخالفند.

چی زیر سر عمامه‌است که این‌ها مخالفند و چی زیر سر مجالس عزاست که این‌ها با آن مخالفند ... اگر یک وقتی خطبایی که در بین این‌ها هستند و علمایی که در بین این‌ها هستند. با هم قرار بدهند

قدرت‌های اصلی در رأس آن دارد. امام بعد از ذکر عوامل اصلی، عوامل پایین دست را به دو گروه؛ عوامل فشار و خشونت و عوامل فرهنگی تقسیم می‌کند.

۱- عوامل اصلی:

«باید جوان‌های ما بدانند که هر نحو تبلیغی که بر ضد یکی از مظاهر اسلامی واقع شد، این تبلیغی است که از جانب بزرگترها و چپاولگرها به دست عمالشان واقع می‌شود. برای این که اسلام را بکوبد ... ما از این مخالفت‌هایی که شد در زمان رضاخان و شک نداریم که به دستور بود. خود او خیلی معلوم نبود که اگر دستور ندهند، این حرف‌ها را بزنند.»^۸ «رضاخان همچو نبود که اصل مخالف با این مسائل بشود. رضا خان مأمور بود. دلیلش این است که رضاخان آخرش که رفت، انگلستان در رادیوی دهلی اعلام کرد ما این را آوردیم، حالا هم می‌بریم.»^۹

۲- عوامل فشار و زورمدار

وضعیت ویژه‌ای که در عصر رضاخان بود و خصوصیات فردی وی می‌طلبید که برخورد با مظاهر و شعائر دینی به شکل‌های خشونت‌آمیز نمود یابد. رضاخان به عنوان شاه مسلط، از هیچ اقدام و حشیانه‌ای برای تعطیلی مجالس عزاداری صرف نظر نکرد. او که خود را

که در این روز این‌ها را منسجم بر ضد یک قدرتی بکنند، چه خواهد شد؟ این‌ها از این می‌ترسند با گریه شما، ما، می‌بنشینید گریه کنید اما نفت را به ما بدهید، ما اشکال نداریم. می‌مجلس بگیرید، با ما مخالفت نکنید، اشکال ندارد. این‌ها از این مجالس از آن جنبه سیاسی‌اش می‌ترسند.»^۶

«جوانان ما فکر نکنند که مسأله، مسأله ملت گریه است. این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید ملت گریه. آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند. برای این که گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است.»^۷

این‌هایی که تزریق می‌کنند

به شما ملت گریه،

ملت گریه،

این‌ها خیانت می‌کنند.

ب: سازمان یافته بودن مخالفان

امام مخالفت‌ها با عزاداری و گریه بر اهل بیت علیهم‌السلام خصوصاً امام حسین علیه‌السلام را موضوعی فردی و صرفاً برخاسته از افکار پرسشگر مؤمنان نمی‌داند. بلکه از منظر او، مخالفان دارای سازماندهی ویژه‌ای هستند که حکایت از حضور

کرد. روضه‌خوانی شروع کرد. دستجات ارتش را در روز عاشورا، این‌ها را من خودم شاهدیم. یادم هست دسته‌های ارتش را روز عاشورا برای سینه‌زنی بیرون آورد. خودش این تکیه‌هایی که در تهران بود، راه می‌افتاد دوره و به این تکیه‌ها یکی یکی می‌رفت. در آن جایی که بود، روضه‌خوانی مفصل داشت. این سنخ حقه‌بازی‌هایی که حالا این [محمد رضا شاه] دارد، یک جور دیگر او هم از اول با این سلاح وارد شد و همان وقت هم اشخاصی بودند که اطلاع بر این مسائل داشتند.»^{۱۰}

امام در فرازی دیگر با صراحت بیشتری از سوء استفاده رضاخان سخن می‌گوید: «ابتدا هم که آمد با حربه اسلام آمد. حربه اسلام را بر ضد اسلام شروع کرد به کارهایی که مسلمان‌ها از آن‌ها خوششان می‌آمد. خوب در ایران از باب این که قضیه سید الشهداء علیه السلام خیلی اهمیت دارد، این روی آن نقطه خیلی پافشاری می‌کرد. خودش روضه می‌گرفت و در تکاپایی که روضه‌ها بودند، پای برهنه می‌گفتند می‌رود آن جاها و مردم را گول زد به همین حربه که مردم به آن توجه داشتند که این را می‌خواستند ... تا این که حکومتش مستقر شد، شروع کرد به آن

قبل از رسیدن به قدرت، به محافل مذهبی نزدیک می‌کرد، بعد از سوء استفاده از این مراسم‌ها و دستیابی به قدرت، مبارزه بی‌امان خود را با تمام مظاهر و شعائر اسلامی از جمله مجالس عزاداری شروع کرد.

اقدامات وی پیرامون مجالس عزاداری از دیدگاه امام خمینی عبارتند از: سوء استفاده قیل از حکومت و استفاده ابزاری برای رسیدن به حکومت، تلاش برای کنترل مجالس عزاداری، تلاش برای تعطیل کردن مجالس.

این را دیگران

القا کردند

به شماها که بگویند

ملت گریه. آن‌ها از همین

گریه‌ها می‌ترسند.

برای این که

گریه‌ای است که

گریه بر مظلوم است.

۱-۲- استفاده ابزاری:

«رضاشاه هم بعضی از این کارهایی که این آدم می‌کند در اوایل امرش شروع

چیزهایی که به او حالا یا تعلیم شده بود یا خودش مثلاً می‌خواست؛ تعلیم شده بود. یک مقدارش هم از آتاتورک گرفت. با حربه الحاد خودش پیش آمد و اول چیزی را که در نظر گرفت، این بود که آثار اسلام را در ایران از بین ببرد.^{۱۱}

۲-۲- تعطیل کردن مجالس:

«دنبال این کارهایی که ریاکارانه انجام داد، آن چهره دیگرش را نمایش داد که تمام پایگاه‌های مذهبی را تعطیل کرد؛ یعنی، تمام تکیه‌ها و مجالس و عظم و خطابه و این‌ها را، تمام را به کلی تعطیل کرد که در تمام ایران دیگر یک - مثلاً - مجلس روضه‌خوانی، یک مجلس و عظم و خطابه نگذاشت بماند ... یکی از اشتباهات این بود که مردم با آن‌هایی که باید مردم را آگاه کنند، پشتیبانی از مدرس نکردند ...»^{۱۲} «در همین قم که خوب، مرکز روحانیت بود، آن وقت و حالا، در همین قم مجلس روضه نبود، اگر بود بین طلوعین تمام باید بشود. قبل از اذان صبح یک عده کمی چهار تا پنج تا، ده تا می‌رفتند و یک صحبتی می‌کردند و یک ذکر مصیبتی می‌کردند و اول اذان یا یک قدری بعد از اذان باید متفرق بشوند. آن‌ها هم حتی مفتشینی که آن‌ها داشتند و اشخاصی که دنبال این‌ها بودند،

جاسوس‌هاشان اطلاع می‌دادند.»^{۱۳}

۳-۲- تلاش برای کنترل عزاداری‌ها: در زمان محمدرضا شاه نیز روش‌های زورمدارانه، هرچند ضعیف همچنان وجود داشت. این تلاش‌ها خصوصاً در آخرین لحظات عمر رژیم تشدید شد که امام در مقابل آن موضع گرفت: «در مورد محرم به دوستانم دستور داده‌ام و به آنان گفته‌ام که مجالس را هرچه بیشتر باید برپا نمایند و مراسم این ماه را بدون اجازه از دولت انجام دهند.»^{۱۴} «اگر چنانچه منع کردند، آن‌ها بریزند در خیابان‌ها و تظاهر کنند.»^{۱۵}

۳- عوامل فرهنگی

الف: قبل از انقلاب

هرچند در زمان رضاخان نیز به صورت جسسته و گریخته اقدامات فرهنگی برای تخریب مجالس عزاداری وجود داشت، اما این سیاست‌ها در زمان پهلوی دوم به صورتی گسترده اعمال شد. امام در این باره می‌فرمود: «در زمان محمدرضا هم به همین معنا، متها با فرم دیگر ... نه با آن طور سز نیزه، به یک جور دیگر ... جوان‌های ما را بازی می‌دهند، همان مسأله است.»^{۱۶}

ب: چهره مخالفان بعد از انقلاب

اقدام تخریب‌گرانه علیه مجالس

برای این است. انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم. نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم ... تبلیغ می‌کنند این منحرفین، این‌هایی که مأمورند که این جور تبلیغات را بکنند ...»^{۱۹} «از این شیطنت‌ها باید یک قدری ترسید و توجه به آن کرد. از این که مجالس اسلامی را، مجلس عزارا در نظر شما سُست می‌کنند و می‌روند تو دهات. این ور آن ور می‌افتند که فلانی گفته است که مجالس عزرا لازم نیست. فلانی چطور همچو حرفی می‌زند؟ کسی که می‌داند که مجالس عزرا چه جهت سیاسی دارد. چه جهت اسلامی دارد.»^{۲۰} «بازیتان ندهند این قلم فرسها، بازیتان ندهند این اشخاصی که با اسماء مختلفه و با مرام‌های انحرافی می‌خواهند همه چیز را از دستتان بگیرند.»^{۲۱}

اهداف توطئه‌گران

اما به راستی هدف دشمنان داخلی و خارجی از مخالفت و تلاش برای خلوت کردن و نابودی عزاداری‌ها چیست؟ امام هدف دشمن را مبارزه با فرآیند عزاداری و روضه‌خوانی می‌داند، نه شکل آن. از این روی چنان چه روضه و عزاداری‌ها بدون روح و هدف مترقی و اصلاحگر باشد، از نظر آنان ممدوح هم خواهد بود، لذا

عزاداری حتی بعد از انقلاب نیز قطع نشد و به صورت‌های مختلف بروز کرد که عموماً به خاطر ناآشنایی با فلسفه و نتایج عزاداری بود. در کنار این‌ها امام دست‌های خیانتکار را نیز به خوبی می‌دید و گاه به قلم فرسها در این باره اشاره می‌کرد:

«حالا یک دسته‌ای آمده‌اند می‌گویند که دیگر روضه نخوانید، نمی‌فهمند این‌ها که روضه یعنی چه؟ حالا قلم‌هایتان را به ضد روحانیون قلم فرسایی می‌کنید؟...»^{۱۷}

عاشورا را زنده نگه

دارید که با نگه داشتن

عاشورا، کشور شما آسیب

نخواهد دید.

«این‌ها از اساس می‌خواهند روضه را از بین ببرند که روضه‌خوانی است که عواطف مردم را همچو تهییج می‌کند که ...»^{۱۸}

«امروز دیگر ما انقلاب کردیم، روضه دیگر لازم نیست، از غلط‌هایی است که تو دهن‌ها انداختند، مثل این است که بگوئیم امروز ما انقلاب کردیم، دیگر لازم نیست که نماز بخوانیم. انقلاب

لکن چرا این ثواب را برای این مجالس عزا آن قدر عظیم قرا داده شده است و چرا خداوند تبارک و تعالی برای اشک و حتی یک قطره اشک و حتی تباهی آن قدر ثواب داده است؟ کم‌کم این مسأله از دید سیاسی اش معلوم می‌شود... علاوه بر آن امور عبادیش و روحانیش، یک مسأله مهم سیاسی در کار بوده است.^{۲۴}

«این که بعضی از ائمه (شاید امام باقر بود...) می‌فرمایند که برای من یک نفر نوحه‌سرا در منا بگذارید که آن جا برای من گریه بکند و عزا بگیرد، نه این است که حضرت باقر علیه السلام احتیاج به این داشته است و نه این که برای او شخصاً فایده‌ای داشته است، لکن جنبه سیاسی این را ببینید. در منا آن وقتی که از همه اقطار عالم آدم می‌آید آن جا، یک کسی بنشیند، با اشخاص نوحه‌سرایبی کنند برای امام باقر علیه السلام و جنایت کسانی که با او مخالفت کردند و او را... به شهادت رساندند ذکر کند و این مسأله موجبی باشد در همه دنیا...»^{۲۵}

«عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد، یک مسأله سیاسی است.»^{۲۶}

ب - معرفی کارکرد اجتماعی، سیاسی

و ...

می‌فرمود: «قضیه مجلس روضه بود یا از مجلس روضه آن‌ها یک چیز دیگر می‌فهمیدند و می‌خواستند آن را از بین ببرند؟

آن‌ها فهمیده بودند که... از این مجالس عزاداری یک کاری می‌آید که نمی‌گذارد این‌ها کارهایشان را انجام بدهند...»^{۲۲}

«وقتی که [رضاخان] مستقر شد اول... نمی‌گفت هدف را، آن قرار داد که اسلام نباشد. از مجالس وعظ و خطابه و روضه جلوگیری کرد.»^{۲۳}

* ۲ - تبیین کارکردهای عزاداری

الف - ارزش جنبه‌های غیر معنوی

امام علاوه بر اشاره به مخالفان عزاداری و اهداف آنان، در اقدامی موازی با آن تلاش کرد ابعاد حقیقی عزاداری را به مردم بفهماند و کارکردهای مختلف آن را بنمایاند. برای این کار لازم بود ابتدا ارزش این ابعاد را یادآوری کند، لذا بناها می‌فرمود: «این که در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آن قدر ارزش قائلند، حتی برای تباهی ارزش قائلند، نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد و نه این است که فقط برای ثواب بردن شما و مسلمین باشد. گرچه همه ثواب‌ها هست،

۱- در حکومت فاسدان

آن‌گاه که مردم متوجه ارزش‌های دیگر عزاداری شدند، نوبت به آن می‌رسد که حضرت امام این کارکردها را برای آن‌ها تشریح کند. این کارکردها در دوران حکومت فاسد عبارتند از:

○ بقای اقلیت

«آن روزی که این روایات صادر شده است، روزی بوده است که این فرقه ناجیه، مبتلا بودند به حکومت اموی و بیشتر عباسی و یک جمعیت بسیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قدرت‌های بزرگ. در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسی این اقلیت یک راهی درست کردند که این راه خودش سازنده است ... شیعیان با اقلیت آن وقت اجتماع می‌کردند و شاید بسیاری از آن‌ها هم نمی‌دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت‌ها.»^{۲۷}

○ مقاومت و خروج اقلیت

«گمان نکنید که اگر این مجالس عزاداری نبود و اگر این دستجات سینه‌زنی نبود، ۱۵ خرداد پیش می‌آمد. هیچ قدرتی نمی‌توانست ۱۵ خرداد را آن‌طور کند، مگر قدرت خون سید الشهداء.»^{۲۸}

○ نابودی حکومت فاسد:

«ملت ما یک دفعه یک انقلابی کرد و یک انفجاری درش حاصل شد که نظیر آن در هیچ جا نبود. یک ملتی که همه چیزش وابسته بود ... این انفجار در برکت همین مجالس که همه کشور را همه مردم را دور هم جمع می‌کرد و همه به یک نقطه نظر می‌کردند. این مسأله را باید آقایان خطبا و ائمه جماعت و ائمه جمعه درست بیشتر از آن قدری که من می‌دانم، برای مردم تشریح کنند تا این که گمان نکنند که ما یک ملت گریه هستیم. ما یک ملتی هستیم که با همین گریه‌ها یک قدرت دوهزار و پانصد ساله را از بین بردیم.»^{۲۹}

۲- عزاداری و حکومت صالحان

نقش عزاداری از دیدگاه امام تنها در مبارزه طلبی با حکومت فاسدان خلاصه نمی‌شود. بلکه این مراسم‌ها در ایجاد، پویایی و تثبیت نظام صالحان نیز کاملاً مؤثر است.

○ ایجاد حکومت:

«نمی‌دانند که این نهضت امام حسین علیه السلام آمده تا این جا، تا این نهضت [انقلاب اسلامی] را درست کرده. این [انقلاب اسلامی] تابع [است] این یک شعاعی است از آن نهضت.»^{۳۰} «نهضت ملت بزرگ ایران که در ۱۲ محرم ۸۳، ۱۵ خرداد ۴۲ به شکوفایی گرایید، پرده‌های

○ استمرار نظام صالحان

«الان بیشتر ما احتیاج داریم به این مجالس، تو گوش شما نخوانند به این که این مجالس ها بگذاریم حالا و مجالس روضه را خرج هایی که می کنیم، حالا نکنیم و خرج مثلاً این جنگ زده ها بکنیم، نه مسأله این طور نیست ... امروز ما به مجالس تعزیه و روضه بیشتر احتیاج داریم از سابق.»^{۳۵}

تمام روشنفکرها

و تمام غریزده ها

و تمام قدرتمندها

اگر جمع بشوند، نمی توانند

یک ۱۵ خرداد

را ایجاد کنند

و باز همان جمله حضرت امام که ناظر به نقش نگهبانی و حفظ نظام صالحان است: «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است.»^{۳۶}

«عاشورا را زنده نگه دارید که با نگه داشتن عاشورا، کشور شما آسیب نخواهد دید.»^{۳۷}

«همین گریه ها نگه داشته ما را. گول این شیاطینی که می خواهند این حربه را از

تزویر و عوامفریبی شاه را پاره کرد ... و مفتاح نجات اسلام و عدالت به دست آمد و نطفه مقاومت ملی منعقد و با تربیت و روشنگری روشنگران رو به رو شد ... و در ۲۹ محرم ۹۸ که رشد و تکامل در حال بلوغ بود، مبدأ انفجار ظاهر شد.»^{۳۱}

«این را باید همه گویندگان توجه کنند و ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام سیدالشهدا سلام الله علیه نبود، امروز ما هم نمی توانستیم پیروز بشویم.»^{۳۲}

○ پویایی انقلاب

جریان دائمی عزاداری به معنای [در حال] آماده باش بودن مسلمانان است و این که روح جوشش و خروش هر لحظه در وجودشان زنده و جوشان است. از این روی همان طور که این مجالس توان نابودی رژیم فاسد، و روی کار آوردن نظامی صالح را دارد، می تواند بازنده بودن خود، نظام صالح را نیز سر پا نگاه دارد.

و این است سر آن جمله کوتاه امام که می فرمود: «باید ماه محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام که با ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام زنده مانده است این مذهب تا حالا»^{۳۳} «نام مبارک سید الشهدا را زنده نگه دارید که بازنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می شود.»^{۳۴}

بیرون می‌آید همه با هم مجتمع می‌شوند.^{۴۰}

۲- گرد همایی با گرایش خاص:

«این مجلس‌ها مردم را همچو مجتمع می‌کنند و یک وجهه می‌دهند. سی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم (و صفر) و خصوصاً دهه عاشورا یک وجهه ... راه می‌روند.»^{۴۱}

۳- آمادگی برای حق‌پذیری:

«ماه محرم ماهی است که مردم آماده‌اند برای شنیدن مطالب حق و الان مطلب حق ما قضیه‌ای است که در پیش داریم که آزادی و استقلال است و ماه محرم را معین کردیم که راجع به این مسائل صحبت بکنند و ...»^{۴۲}

۴- ایجاد اتحاد کلمه:

«اٹمه ما ... می‌خواستند که این ملت‌ها را ... یک پارچه کنند، از راه‌های مختلف این‌ها را یک پارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند. مسائل اسلام، مسائل سیاسی است و سیاستش غلبه دارد بر چیزهای دیگرش.»^{۴۳}

«همین روضه‌های هفتگی ... هماهنگی را ایجاد می‌کند ... اگر دولت‌های دیگر بخواهند یک هماهنگی بین تمام قشرها پیدا کنند، میسر نیست برایشان. با صدها میلیارد تومان هم

دست شما بگیرند، ... نخورید. جوان‌های ما! همین‌ها هست که ماها را حفظ کرده است ... مملکت ما را حفظ کرده است...»^{۳۸}

ویژگی‌های عزاداری

بعد از بحث کارکردها، نوبت به آن می‌رسد که به ویژگی‌های عزاداری اشاره شود. چه این سؤال پیش می‌آید که این همه کارکردها چگونه به دست می‌آید و چگونه یک مراسم ساده مذهبی و سوگواری می‌تواند چنین تحولاتی عظیم را در پی بیاورد. از منظر امام این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- گرد همایی بدون هزینه:

«سید مظلومان علیهم‌السلام یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون این که زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمع‌ند.»^{۳۹} «این مجالس عزایی که مردم را به هم جوش داده است، به مجرد این که مطلبی پیش می‌آید، ... تمام قشرهای مردم و عزاداران حضرت سید الشهداء علیهم‌السلام مجتمع می‌شدند و احتیاج به این که زیاد زحمت کشیده بشود و تبلیغات بشود، ندارد. با یک کلمه، وقتی مردم ببینند که این کلمه از حلقوم سید الشهداء علیهم‌السلام

برایشان میسر نیست.»^{۴۴} «تمام روشنفکرها و تمام غریزه‌ها و تمام قدرتمندها اگر جمع بشوند، نمی‌توانند یک ۱۵ خرداد را ایجاد کنند. آنچه این قدرت را دارد، این است که در تحت لوای او همه مجتمعند...»^{۴۵} «تمام این وحدت کلمه‌ای که موجب پیروزی ما شد: برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد.»^{۴۶}

اسلام ایستاده است.»^{۴۷} «وقتی کلمه راهپیمایی پیش می‌آید، خیال نکنید که مسعانش این است که عزاداری نمی‌خواهیم. ما از همین اسلام و مظاهر اسلام و شهدای اسلام می‌توانیم کارهایمان را انجام دهیم.»^{۴۸} «این‌ها شاعر مذهبی است که باید حفظ بشود. این‌ها یک شاعر سیاسی است که باید حفظ بشود. بازیتان ندهند این قلم فرساها...»^{۴۹}

۶- تربیت مردم با شاعر:

«این مجالس که مجالس روضه سید الشهداء بود که پیش ملت آن قدر اهمیت دارد و آن قدر مریب هست و آن قدر تربیت کرده است مردم را...»^{۵۰} «این گریه آدم‌ساز است. انسان درست می‌کند.»^{۵۱}

۷- عامل تهیج مردم:

«روضه‌خوانی است که عواطف مردم را همچو تهیج می‌کند که بر همه چیز حاضرند. وقتی مردم دیدند که سیدالشهداء علیه السلام جوان‌هایش را آن‌طور قطعه قطعه کردند... برای مردم آسان می‌شود که جوان بدهند. و ما با این حس شهادت دوستی، این معنی را ملت ما پیش برد و رمز همین معنایی بود که از کربلا منعکس شد، به همه جهاتی که ما

۵- زنده نگاه داشتن یک واقعه

(عزاداری از شاعر و احیاکننده دین است)

«انقلاب کردیم که شاعر را زنده کنیم... عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد. یک مسأله سیاسی است، یک مسأله‌ای که در پیشبرد انقلاب اثر به سزا دارد. ما از این اجتماعات استفاده می‌کنیم. ما از آن‌الله اکبرها. ملت ما از آن‌الله اکبرها استفاده کرد. آن‌الله اکبرها را باید حفظ کرد.

این مظاهر و اموری که در اسلام در آن سفارش شده، باید فکر کنید که این‌ها یک مسأله سطحی نبوده است... خیر، ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها، سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل

دانشتیم ...» ۵۲

۸- عامل بسیج مردم:

«جهت سیاسی ... این است که یک ملت را بسیج می‌کند برای یک مقصد اسلامی. مجلس عزانه برای این است که گریه بکنند برای سید الشهداء علیه السلام و اجر ببرند. البته این هم هست ... مهم جنبه سیاسی است که ائمه ما در صدر اسلام نقشه‌اش را کشیده‌اند که تا آخر باشد و آن این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده و ...» ۵۳

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۵۵.
- ۲- ج ۳، ص ۱۵۳.
- ۳- ج ۱۶، ص ۲۰۸.
- ۴- ج ۹، ص ۲۰۱.
- ۵- ج ۱۰، ص ۳۲.
- ۶- ج ۳، ص ۱۵۶.
- ۷- ج ۱۰، ص ۳۶.
- ۸- ج ۳، ص ۱۵۶.
- ۹- ج ۱۰، صص ۳۱ و ۳۲.
- ۱۰- ج ۳، ص ۳۴.
- ۱۱- ج ۱۱، ص ۱۲۵ و مساند آن، ج ۹، ص ۲۰۰. پیرامون تأثیرپذیری وی از ترکیه به ج ۲ صحیفه نور بنگرید.
- ۱۲- ج ۳، ص ۳۴.
- ۱۳- ج ۱۱، صص ۱۲۵ و ۱۲۶.
- ۱۴- ج ۳، ص ۲۵۸.
- ۱۵- ص ۲۵۹.
- ۱۶- ج ۱۰، ص ۳۱.
- ۱۷- ج ۱۰، ص ۳۱.
- ۱۸- ج ۹، ص ۲۰۱.
- ۱۹- همان، ج ۳، ص ۱۵۶.
- ۲۰- ج ۳، ص ۱۵۷.
- ۲۱- ج ۱۰، ص ۳۲.
- ۲۲- ص ۱۵۳.
- ۲۳- ج ۹، ص ۲۰۰.
- ۲۴- ج ۱۶، ص ۲۰۷.
- ۲۵- ص ۲۰۸.
- ۲۶- ج ۳، ص ۱۵۶.
- ۲۷- ج ۱۶، ص ۲۰۷.
- ۲۸- ج ۱۶، ص ۲۰۹.
- ۲۹- ج ۱۶، ص ۲۱۰.
- ۳۰- ج ۱۰، ص ۳۱.
- ۳۱- ج ۴، ص ۱۰۰.
- ۳۲- ج ۱۷، ص ۶۰.
- ۳۳- ج ۱۵، ص ۲۰۳.
- ۳۴- ج ۱۸، ص ۲۲.
- ۳۵- ج ۳، ص ۱۵۵.
- ۳۶- ج ۱۵، ص ۲۰۴.
- ۳۷- ص ۲۰۵.
- ۳۸- ج ۱۰، ص ۲۱۸.
- ۳۹- ج ۱۷، ص ۶۰.
- ۴۰- ج ۱۶، ص ۲۰۸.
- ۴۱- ج ۳، ص ۱۵۴. در آن زمان جمعیت کشور ۳۵ میلیون نفر بود.
- ۴۲- ص ۲۵۹.
- ۴۳- ج ۳، ص ۱۵۴.
- ۴۴- ج ۱۰، ص ۲۱۸.
- ۴۵- ج ۱۶، ص ۲۰۹.
- ۴۶- ج ۱۷، ص ۶۰.
- ۴۷- ج ۳، ص ۱۵۶.
- ۴۸- همان، ج ۳، ص ۱۷۱.
- ۴۹- ج ۱۰، ص ۳۲.
- ۵۰- ج ۱۱، ص ۱۲۶.
- ۵۱- ج ۹، ص ۲۰۱.
- ۵۲- ج ۹، ص ۲۰۱.
- ۵۳- ج ۱۶، ص ۲۰۸.